

بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری وفاق اجتماعی  
در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلیخال  
\* اقباله عزیزخانی

کد مقاله: ۴۰۷

**چکیده**

روش پژوهش: نوع تحقیق پیمایشی همبستگی بوده است و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه که پس از تعریف و انتخاب معرف‌های مناسب برای هر یک از متغیرها، در قالب گویه‌ها و سؤال‌هایی که بر مبنای مقیاس طیف لیکرت تنظیم شده است و مورد استفاده قرار گرفته است. شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای می‌باشد به دلیل ناهمگونی جامعه‌ی آماری مناسب‌ترین روش می‌باشد. حجم نمونه انتخابی ۲۶۸ نفر است که از جامعه‌ی آماری به تعداد ۲۷۰۰ نفر از میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلیخال در سال تحصیلی ۱۳۸۷ گزینش شده‌اند. در این پژوهش واحد تحلیل فرد می‌باشد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین متغیرهای زمینه‌ای مثل سن و جنس و همچنین متغیر امنیت اجتماعی با میزان وفاق اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد، بین متغیر تعاملات اجتماعی و متغیر رسانه‌های جمعی با میزان وفاق اجتماعی رابطه‌ی معنادار و مستقیمی وجود دارد، در میان مجموع متغیرها در مدل رگرسیونی چهار متغیر امنیت، سن، ارتباطات و تعامل توانسته است ۰/۲۷۹ درصد از میزان وفاق اجتماعی را در بین نمونه‌های آماری تبیین کند و مابقی متغیرها از مدل خارج شده است.

پیشنهادها: همه‌ی عواملی که باعث بالارفتن سطح مشارکت و تعاملات اجتماعی افراد می‌شود می‌بایستی تقویت شود و با ایجاد آگاهی در زمینه‌ی اقوام و ملل گوناگون هرگونه پیش‌دواری‌هایی را که باعث اختلاف می‌شود، از بین برد، با تقویت شبکه‌های محلی و رسانه‌های جمعی خودباوری جوانان را تقویت کرد.  
واژگان کلیدی: وفاق اجتماعی، امنیت اجتماعی، تعاملات اجتماعی.

## مقدمه

وفاق اجتماعی یکی از مباحث مهم و اساسی جامعه‌شناسی است، تعریف این مفهوم مانند مفاهیم دیگر علوم اجتماعی با مشکلات همراه است. جامعه‌شناسان در کل سه فرآیند عمومی و مرتبط با یکدیگر برای جامعه قائل‌اند. تجمع، تفکیک و پیوستگی یا انسجام (جهانبخش، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

تعریف کردن وفاق اجتماعی منوط به تعریف کردن این سه فرآیند و همین‌طور مفاهیم هم‌خانواده‌ی وفاق اجتماعی است که همگی در یک شبکه به هم پیوسته قرار دارد. افراد یا کنشگران اجتماعی بر اثر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی در کنار هم قرار دارد و یک تجمع انسانی را تشکیل می‌دهند ولی در این میان نیروهای مادی و معنوی و میل قدرت‌طلبی انسان‌ها و رقابت و تخصصی‌شدن امور و فعالیت‌های اجتماعی بین افراد یک جامعه باعث پراکنش میان آن‌ها شده است.

وفاق اجتماعی کارکردهای متعددی از خود بر جای می‌گذارد، باعث تثبیت نظام سیاسی خواهد شد، جامعه بدون وفاق از نظر سیاسی استعداد بیشتری برای هرج و مرج یا تغییرات ناگهانی در نظام سیاسی دارد.

در جامعه‌ای که وفاق اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد امکان پیش‌بینی رفتارهای اجتماعی و تعاون و همکاری میسر خواهد بود.

با توجه به جهانی‌شدن<sup>۱</sup> فرآیند پدیده‌های مختلف اجتماعی مثل اقتصاد و سیاست و ارتباطات جمعی و علوم و تکنولوژی برخی از جامعه‌شناسان تا آن‌جا رفته‌اند که مدعی حذف مقوله‌ی جامعه شده‌اند. اگر به شدت تحولات جاری جهان بنگریم می‌توانیم به اهمیت، کم و کیف و ماهیت نظم برای هر کشوری پی ببریم. با عنایت به فرآیند جهانی‌شدن می‌توان به این نکته مهم و حساس پی برد که چگونه قلمروهای جغرافیایی جای خود را به اهمیت حدّ و مرزهای اجتماعی و فرهنگی سپرده است. حدّ و مرزی که دیگر توپ و تانک قادر به نگهداری آن نیست، بلکه ماهیت و میزان به اصطلاح استحکام نظم اجتماعی است که می‌تواند به پاسداری و حفاظت از آن پردازد (چلبی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲).

عمده‌ترین مسأله در پژوهش حاضر شناسایی عواملی است که به نوعی می‌تواند در شکل‌گیری وفاق اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه خلخال مؤثر باشد. از این‌رو پژوهش حاضر با این فرض اساسی پیش می‌رود که عمده متغیرهای عنوان‌شده در این تحقیق با

شکل‌گیری وفاق اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه خلخال رابطه معناداری دارد و هر کدام با شدت و ضعف می‌تواند در کاهش یا افزایش آن سهمیم باشد.

با توجه به مطالب عنوان‌شده در بالا و با در نظر گرفتن اهمیت وجود وفاق در جامعه، پژوهش حاضر قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱- با توجه به فرآیند عقلانی‌شدن و بسط آن در جامعه بنیان نظم در جوامع معاصر

چیست؟

۲- نتایج وفاق اجتماعی چیست؟

۳- وفاق اجتماعی چگونه منجر به همبستگی اجتماعی خواهد شد؟

۴- آثار وفاق اجتماعی بر سایر متغیرهای اجتماعی چگونه است؟

۵- در شرایط ایجاد وفاق، مردم چگونه رفتار خواهند کرد؟

۶- تعمیم‌یافتن وفاق اجتماعی از چه عواملی متأثر می‌باشد؟

۷- تاثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، فرصت‌ها و همچنین تاثیر عوامل شخصیتی در این

امر تا چه حد است؟

۸- آیا در زمینه‌ی وفاق اجتماعی تجربیاتی در کشورهای مختلف وجود دارد و چگونه

و از چه راه‌هایی موفق به این امر شده‌اند؟

#### پیشینه‌ی تحقیق

۱- پژوهشی تحت عنوان عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی توسط خانم شهناز

صداقت‌زادگان در شهرستان اصفهان در سال ۱۳۷۸ صورت گرفته است که جامعه‌ی

آماری ۶۲۶ نفر می‌باشد.

نتایج نشان داده است که عناصر خلاقیت و عام‌گرایی بیش از سایر شاخص‌ها می‌تواند

بر وفاق اجتماعی مؤثر باشد. همچنین تحصیلات، فعالیت صنفی و مجموعه‌ی ارتباطات

انسانی، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با وفاق اجتماعی رابطه معنی‌دار و مثبت دارد.

در رابطه با قشر اجتماعی و وفاق، نتایج نشان داده است به میزانی که افراد متعلق به

قشر بالا باشند رفتار وفاق‌آمیزتری خواهند داشت، بنابراین کاسته‌شدن از شکاف طبقاتی

وفاق اجتماعی را تقویت می‌کند.

۲- پژوهشی توسط آقای محمدعلی زکی (بدون تاریخ) عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع) بر روی ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان صورت گرفته است. بر اساس پژوهش فوق و ترسیم مدل نظری، پیوند اجتماعی در خصوص بررسی میزان انسجام اجتماعی می‌توان به هفت مؤلفه توجه داشت: وابستگی، تعهد، درگیری، باورها، سودمندی، شبکه‌های اجتماعی و خودکنترلی، ارتباط با گروه‌ها.

ابعاد هفت‌گانه‌ی مورد نظر بیانگر میزان انسجام اجتماعی است.

۳- طرح «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی که به سفارش شورای فرهنگ عمومی تدوین گردیده است» (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۳۶). فصلی را به موضوع بررسی پیوندها و نیروهای اجتماعی در ایران اختصاص داده است و متغیرهایی چون رازداری، انزوای اجتماعی، دوست‌یابی، اطاعت از قانون و اعمال زور و تاثیر این عوامل را در پیوندهای اجتماعی سنجیده است.

تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال توسط آقای اباذر رحیمی در سال ۱۳۸۴ صورت گرفته است. متغیرهای مورد بررسی، میزان تعهد، میزان مقبولیت، دگرخواهی و میزان تعاملات بر روی اعتماد اجتماعی بوده است.

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، میزان اعتماد اجتماعی با احساس تعهد درونی و امنیت اجتماعی تاثیر دارد. میزان اعتماد اجتماعی در بین مردان بیش از زنان می‌باشد. احساس ناامنی در بعد اقتصادی و فکری باعث بی‌اعتمادی می‌شود. عدم اعتماد اجتماعی به کاهش مشارکت‌های اجتماعی، دوری جستن از مکان‌های خاص، تغییر فعالیت‌های روزانه، منجر به انزوای اجتماعی می‌شود.

### پیشینه‌ی نظری

#### نظم اجتماعی

یکی از ارکان اصلی و بنیان وفاق، نظم اجتماعی است و حال نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف را درباره‌ی نظم تحلیل می‌کنیم.

### مسأله‌ی نظم اجتماعی در سطح خرد

عناصر اساسی سازنده‌ی جامعه در سطح خرد، فرد و تعامل است. از طریق تعامل‌ها، اجتماع یا گروه اجتماعی شکل می‌گیرد، یعنی سنگ بنای ما یا اجتماع تعامل است. با تشکیل ما، یا گروه است که می‌توان صحبت از انگاره‌های منظم و نسبتاً پایدار تعاملات نمود.

در سطح خرد به لحاظ تحلیلی دو عنصر فرد و تعامل و اثر ترکیبی آن‌ها یعنی ما هر سه دست‌اندرکار است. فرد از طریق نظام شخصیتی خود با جمع رابطه برقرار می‌نماید. شخصیت قطب‌های گوناگون دارد.

هوش، ظرفیت اجرا، هویت، تعهد، می‌توان به صورت تحلیلی چهار نوع عمده تعامل را از هم تمیز داد، این چهار نوع عبارت است از: روابط مبادله‌ای، روابط قدرت، روابط گفتمانی و روابط اجتماعی بعد روابط اجتماعی که بعد محوری «ما»<sup>۲</sup> است تعاملات صورت می‌گیرند.

با تشکیل ما می‌توان از نوعی نظم اجتماعی خرد سخن گفت. این نظم اجتماعی همزمان در برگیرنده‌ی افراد، تعاملات و ما است. مایی که خود از دو عنصر افراد و تعاملات تشکیل شده است جهت حفظ ما و بالطبع حفظ الگوهای تعاملی، نظم اجتماعی خرد ما چهار بعد مواجه است.

۱- هم‌فکری مشترک، ۲- هم‌گامی مشترک، ۳- هم‌دلی مشترک، ۴- هم‌بختی مشترک. اولین ضرورت برقراری رابطه از هر نوع وجود نوعی نمادها و اطلاعات مشترک است. حداقل نوعی اطلاعات ارزشی و هنجاری مشترک نیز لازم است، بنابراین بدون حداقل مجموعه‌ای از نهادها، اطلاعات و ارزش‌های مشترک، پایداری نسبی تعاملات و ماقابل تصور نیست (چلبی، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

لذا یکی از مقتضیات نظم خرد، فراهم کردن حداقل هم‌فکری، درک مشترک و ارزشیابی مشترک نسبی است. در غیراین صورت، در صورتی هم‌فکری مشترک نباشد در سه عنصر یعنی «فرد»، «تعامل» و «ما» اختلال ایجاد می‌شود.

مشکل دوم نظم در سطح خرد، مسأله هماهنگی مشترک است، نظم اجتماعی نوعی سازش بیرونی را طلب می‌نماید. افراد در فرآیند یادگیری و جامعه‌پذیری در ارتباط با

محیط‌های مختلف تجربیات منحصر به فرد کسب می‌کنند، بنابراین قابل تصور است که افراد ضمن این‌که نفع مشترک دارند، هم‌زمان به طور نسبی و بالقوه حایز منافع متضاد بوده‌اند و برای بالفعل شدن تضاد منافع و حادث شدن آن لازم است راه‌حلی پیدا شود به طوری‌که از طریق سازش بیرونی، عملاً به نوعی وحدت عمل و همگانی مشترک نایل آیند.

مسأله سوم نظم در سطح خرد مسأله هم‌دلی متقابل و احساس تعلق مشترک است. خمیرمایه اصلی «ما» احساس تعلق افراد به یکدیگر و به ماست. فقدان حداقل نوعی هم‌دلی و احساس تعلق مشترک یعنی نبوده‌ها و اضمحلال ما به من‌ها، در تحلیل نهایی پایه‌ی هر نظم عاطفه است (جلیبی، ۱۳۷۵، ص ۲۱). آخرین شکل نظم اجتماعی در سطح خرد، هم‌بختی مشترک است، منظور از هم‌بختی مشترک نفع مشترک و اقبال مشترک است.

#### مسائل اجتماعی نظم در سطح کلان

در سطح کلان جامعه احتیاج به نظامی فراگیر دارد. به طوری‌که نظم کلان بتواند در برگیرنده‌ی نظم‌های متعدد در سطح خرد باشد. با تشدید فرآیند تفکیک<sup>۳</sup> به هر علت و به دنبال آن تکثیر گروه‌بندی‌های اجتماعی و اهمیت مسایل اجتماعی در سطح کلان افزایش می‌یابد. نظم اجتماعی در سطح کلان برای جوامعی که به نوعی تفکیک اجتماعی را تجربه کرده‌اند، به‌ویژه جوامع معاصر با چهار مسأله مواجه است. این چهار مسأله اساسی را چهار نظم کلان می‌نامیم که عبارت است از:

۱- تفاهم نمادی، ۲- تنظیم سیاسی، ۳- تنظیم اجتماعی، ۴- تعمیم ساختاری.

یکی از لوازم انسجام کلّ برای ماهای متعدد و متفاوت و افراد، تفاهم نمادی یا وحدت نمادی است، گروه‌ها در تعامل با یکدیگر احتیاج به منشأ و چهارچوب نمادی مشترک دارند، نظم کلان بالقوه با مشکل وحدت نمادی روبرو است.

دومین شکل نظم در بعد سیاسی، تنظیم سیاسی یا به عبارتی نظارت بیرونی است. تنظیم سیاسی بسط ضرورت همگامی مشترک بین ماها در سطح کلان است. با تشدید تفکیک اجتماعی و تکثیر ماها در سطح کلان است. با تشدید تفکیک اجتماعی و تکثیر ماها در

جامعه مسأله همگانی مشترک بین گروهی و درون‌گروهی حادث می‌شود و این خود نظارت بیرونی را طلب می‌کند (چلبی، ۱۳۸۲، ص ۲۲).

سومین نظم در بُعد کلان تنظیم اجتماعی است، پارسونز (۱۹۵۱) راه‌حلّ اساسی نظم اجتماعی را در نظام فرهنگی و هنجاری جامعه جستجو می‌کند، جامعه‌ای که با مجموعه کنیری از گروه‌های کوچک و بزرگ با مرزهای فرهنگی و هویت‌های متفاوت مواجه است با دو نوع تعامل مواجه است، تعامل بین‌گروهی و تعاملات درون‌گروهی، تعاملات درون‌گروهی عاطفی می‌باشد، گروه اجتماعی با تعاملات درونی خود ابراز وجود می‌کند و به نوعی حریم فرهنگی و هویت اجتماعی دست می‌یازد.

چهارمین شکل نظم کلان، تعمیم ساختاری است. از لحاظ تاریخی جامعه‌ای که به صورت یک اجتماع ساده از لفافه خارج شده است، عملاً با مسأله‌ی تغییر و تکامل نظم نیز مواجه است که امروزه به آن توسعه می‌گویند، تعمیم ساختاری در واقع مشکل تغییر نظم اجتماعی از دیدگاه توسعه‌ای است این مسأله‌ای است که برای جوامع معاصر به‌ویژه کشورهای در حال توسعه رشد، امروزه عمده شده است (چلبی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

#### نظریه‌ها و آرای دورکیم

برای دورکیم این پرسش مطرح بود که چگونه و از چه طریقی مجموعه‌ای از افراد گرد هم جمع می‌شوند و مقوله‌ی پایدار و مستمرتر را شکل می‌دهند که جامعه نام می‌گیرد. در حالی که نیروهای متضاد و تقسیم‌کننده‌ی زیادی قادرند آن را از بین ببرند؟ بدین ترتیب دورکیم بر پیوستگی یا همبستگی<sup>۴</sup> اجتماعی تاکید کرده است.

مفهوم همبستگی دورکیم، تصویری از جامعه را ارائه می‌کند که در آن گروه‌ها و افراد به هم پیوسته‌اند و به طور منظم و الگوبندی‌شده و کمابیش پیش‌بینی‌پذیر کنش متقابل می‌کنند. اساس این کنش متقابل، اخلاقیات<sup>۵</sup> یا مقررات اخلاقی است که مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهایی می‌باشد که کردار انسان را راهنمایی و مهار می‌کند. وجود این هنجارها بدین معنی است که افراد مطابق با تعهدات خود به دیگران و به طور کلی با جامعه کنش متقابل دارند، از این رهگذر افراد از حقوق و میزان مشارکت خود در ایجاد

همبستگی اجتماعی شناخت پیدا می‌کند، لذا اخلاقیات برای ایجاد همبستگی میان مردم ضروری است (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۱۳).

#### کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز

به نظر کارکردگرایان ساختاری، جامعه با توافق اعضایش به هم پیوسته می‌شود. از دیدگاه آن‌ها جامعه‌ای که با زور به هم پیوسته شده باشد، جامعه به معنای واقعی نیست. کارکردگرایان ساختاری معتقدند که باید نظام فرهنگی مشترکی در جامعه وجود داشته باشد. باید مردم جهان، آن را اساساً به یک شیوه بنگرند این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد که پیش‌بینی کنند که دیگران چگونه فکر و عمل خواهند کرد. یک جامعه زمانی استوار خواهد ماند که کنشگران با جهت‌گیری‌های مشترک عمل کنند. همین پای‌بندی‌شان را در موقعیت‌های اجتماعی حفظ کنند.

به نظر کارکردگرایان ساختاری به هر روی اگر نیازی به اعمال زور خارجی بر کنشگران نباشد آن جامعه آرمانی است اما در صورتی که ضرورت نظارت خارجی پیش آید باید عوامل گوناگون نظارت اجتماعی را به کار برد (یان کرایب، ۱۳۸۵، ص ۵۹).

به نظر دورکیم در جوامع جدید زمینه‌ساز وفاق اجتماعی تقسیم کار اجتماعی و نیاز متقابل افراد به یکدیگر است این نیاز متقابل افراد به تخصص‌های گوناگون سبب می‌شود که افراد و گروه‌ها برای قواعد و ارزشیابی اخلاقی افراد و گروه‌های اجتماعی دیگر احترام قایل شوند و همین امر زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی در جامعه‌های جدید است. این امر از نظر دورکیم برتر از همبستگی اجتماعی در جامعه گذشته است، زیرا در جوامع جدید نیاز متقابل افراد و گروه‌ها به تخصص هم باعث می‌شود که هیچ فردی نتواند حتی اگر بخواهد به تنهایی زندگی کند. دورکیم همبستگی جوامع جدید را ارگانیک می‌نامد.

#### زیمل

به نظر زیمل اشتباه است فکر کنیم که در جامعه‌ها وفاق و همبستگی وجود دارد یا تضاد. اگر با یک رهیافت دیالکتیکی به جامعه بنگریم در جامعه هم وفاق وجود دارد و هم تضاد (تر، ۱۳۶۹، ص ۳۲۴).



به نظر او فرد اجتماعی شده پیوسته ارتباطی دوگانه با جامعه دارد از یک سو در جامعه عجين شده است و از سوی دیگر در برابر آن می ایستد.

از نظر زیمل ساده انگارانه است اگر نیروهایی را که به ستیز می انجامند منفی و نیروهایی را که به وفاق و همبستگی اجتماعی می انجامند مثبت انگاریم زیرا اجتماع همیشه نتیجه این هر دو نوع کنش متقابل است و هر دوی آنها عناصری مثبت اند که به روابط اجتماعی ساختار و دوام می بخشند (کوزر، ۱۳۶۸، ص ۲۵۵).

بنابراین با توجه به دیدگاه زیمل می توان گفت که تصور جامعه ای با وفاق و همبستگی اجتماعی کامل و عاری از هرگونه ستیزه اجتماعی غیر واقعی است.

#### تونیس

تونیس جامعه شناس آلمانی معتقد بود، اکنون زمان آن رسیده است که جامعه به شیوه معقول تجدید بنا گردد و چگونه می توان به آن تجدید بنا دست یافت؟ پاسخ تونیس این بود از راه اخلاقی که هوشیارانه مورد پذیرش قرار گیرد محتوی نظم اخلاقی جدید می تواند تشخیص نیاز همگانی به حکومتی مقتدر و یا از طریق یک نیروی جدید بنام افکار عمومی و یا ترکیبی از این راه حل ها باشد (کوزر، ۱۳۶۹، ص ۳۷۵).

#### پاره تو

به نظر پاره تو آنچه باعث همنوایی فرد با جامعه می شود نیاز به تأیید دیگران و اجتناب از نادیده انگاشته شدن توسط اعضای گروه است.

وقتی فرد قواعد متعارف و هنجارهای گروه را زیر پا می گذارد از سوی اعضای گروه کوششی به عمل می آید تا از طریق قانع کردن یا واداشتن آن رفتار ناهماهنگ اصلاح گردد گرچه در ظاهر هر دو راه قانع کردن یا به زور واداشتن به یک نتیجه (همنوایی) می انجامند اما در باطن آثار متفاوتی دارند. تطابق اختیاری یک نیروی توافقی است ولی تطابق تحمیلی اغلب موجب برانگیختن مقاومت با عکس العمل متقابل می شود. و یک نیروی ستیز نیز به شمار می رود (پاره تو، ۱۳۷۳، صص ۱۲۷-۱۱۸).

گاهی اوقات مدل‌های خاصی از مو یا لباس صرفاً به خاطر این که نشان‌دهنده تعارض و ستیزه پیروان آن‌ها با جریان غالب است، شایع می‌شود و حتی با لجاجت از آن پیروی می‌گردد.

### پارک

مشکلات و آشفتگی‌هایی که جامعه آمریکا در قرن بیستم با آن‌ها دست به گریبان بوده، زمینه طرح نظریه‌های مختلفی از سوی جامعه‌شناسان آمریکایی شده است. این مشکلات به طور عمده ناشی از رشد سریع شهرنشینی و صنعتی‌شدن این سرزمین بوده است. در جامعه آمریکا که سرمایه‌داری با تمام قوا رشد می‌کرد (رقابت) یکی از فرآیندهای عمده زندگی اجتماعی به شمار می‌رفت. حال سؤال اصلی این است که چگونه می‌توان عنصر رقابت را زیر نظر یک نظم اخلاقی نوین که تونیس آن‌را وفاق می‌نامید قرار داد. به نظر پارک پاسخ این سؤال در گرو فهم فراگردهای اصلی اجتماعی است. پارک چهار فراگرد اجتماعی اصلی را بازشناخته است:

رقابت، کشمکش (تضاد)، توافق و هم‌رنگی. به نظر پارک (رقابت یک صورت بنیادی و عام کنش متقابل اجتماعی است). این نوع عمل متقابل بدون درگیری است. رقابت می‌تواند میان انسان‌ها برای به دست آوردن کالاها یا ارزش‌های مطلوب صورت گیرد، بی‌آن‌که هر یک از واحدهای فردی از رقیبانش آگاهی داشته باشد (کوزر، ۱۳۶۹، ص ۴۷۷). اما همین که افراد از مراد یکدیگر آگاهی می‌یابند و در می‌یابند که مراد آن‌ها از فعالیتشان با یکدیگر اصطکاک دارد، رقابت تبدیل به تضاد و ستیزه می‌شود. در این هنگام رقابت ناآگاهانه به کشمکش آگاهانه تبدیل می‌شود و رقیبان یکدیگر را به عنوان رقیب یا دشمن باز می‌شناسند.

علاوه بر عنصر آگاهی، تفاوت‌های دیگر بین رقابت و تضاد (ستیزه) این است که رقابت کلی و دایمی است و تضاد شخصی و موقت.

توافق فرآیندی است که بر فروکش کردن تضادها دلالت می‌کند و زمانی پدید می‌آید که روابط بالادست و فرودست موقتاً تثبیت شده باشد و از طریق قوانین و آداب و رسوم

تحت نظارت درآمد باشد، در فراگرد توافق، تنازع میان عناصر دشمن موقتاً تعدیل می‌شود و کشمکش به عنوان یک کنش آشکار از میان می‌رود (همان منبع، ص ۴۷۸).

از نظر پارک توافق مانند همه ابزارهای کنترل اجتماعی، شکننده است و به آسانی از هم فرو می‌پاشد. به بیان دیگر توافق و سامان اجتماعی به هیچ وجه پدیده‌ای طبیعی نیستند، بلکه سازگاری‌های موقتی‌اند که در صورت شعله‌ور شدن تضادها، این توافق و سامان ممکن است یک‌باره در هم شکند.

اما برخلاف توافق، هم‌رنگی، فراگردی از درهم‌آمیختگی و درهم‌فرورفتگی است که طی آن اشخاص و گروه‌ها خاطرات، احساسات و رویکردهای اشخاص دیگر را از آن خود می‌سازند و با سهیم‌شدن در تجربه و تاریخ دیگران با آن‌ها در یک فرهنگ عجیب می‌گردند (همان منبع، ص ۴۷۹-۴۷۸). البته به دست آمدن هم‌رنگی به معنای آن نیست که تفاوت‌های فردی دیگر ریشه‌کن شده‌اند یا رقابت و کشمکش برای همیشه از بین رفته‌اند، بلکه تنها به این معنی است که وحدت در تجربه و اشتراک در جهت‌گیری نمادین به آن درجه رسیده است که یک نوع اشتراک در منظور و عمل پدیدار گشته است.

#### اعتماد

اعتماد<sup>۶</sup> بنیادی‌ترین نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که رفتار و اعمال‌ها را متأثر می‌سازد و موجب تقویت تفکری می‌گردد که افراد جهان قابل اعتماد هستند.

گیدنز از اعتماد به عنوان امینت هستی‌شناختی یاد می‌کند. منظور از امینت هستی‌شناختی اطمینانی است که اغلب موجودات انسانی از پیوستگی و استمرار هویت خود و محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود دارند. به اعتقاد گیدنز امینت هستی‌شناختی یک پدیده‌ی شناختی نیست، بلکه یک پدیده‌ی احساسی است و در ناخودآگاه ریشه دارد. به اعتقاد وی برای رسیدن به اعتماد باید مراحل جامعه‌پذیری طی شود.

دو نوع اعتماد وجود دارد: ۱- اعتماد بین‌شخصی که نوعی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات مؤثر را موجب می‌شود.

۲- اعتماد تعمیم‌یافته: اعتماد عام یا اعتماد تعمیم‌یافته را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف نمود. تعریف فوق بیانگر چند نکته‌ی اساسی است. این نوع اعتماد چندین مشخصه دارد که آن را از اعتماد بین‌فردی مجزاً می‌کند: ۱- مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش مطرح است. ۲- پدیده‌ی نسبتاً جدیدی است که همواره با شکل‌گیری دولت‌های مدون، یا دولت - ملت مطرح است. ۳- لازمه‌ی همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدون امروزی را تشکیل می‌دهند (امیرکافی، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

#### روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق پیمایشی از نوع همبستگی بوده است و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه که پس از تعریف و انتخاب معرف‌های مناسب برای هر یک از متغیرها، در قالب گویه‌ها و سؤال‌هایی که بر مبنای مقیاس طیف لیکرت تنظیم شده و مورد استفاده قرار گرفته است. شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای می‌باشد به دلیل ناهمگونی جامعه آماری مناسب‌ترین روش می‌باشد. حجم نمونه انتخابی ۲۶۸ نفر است که از جامعه آماری به تعداد ۲۷۰۰ نفر از میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال در سال تحصیلی ۱۳۸۷ گزینش شده‌اند در این پژوهش واحد تحلیل فرد می‌باشد. متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر عبارت است از:

متغیر وابسته: وفاق اجتماعی (منظور از وفاق اجتماعی توافق بر سر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها است که حاصل آن ایجاد انرژی عاطفی است و این انرژی عاطفی است که می‌تواند اساس یک زندگی اجتماعی مثبت را تشکیل دهد).

متغیرهای مستقل: امنیّت اجتماعی (امنیت اجتماعی دلالت بر مجموعه‌ی سیاست‌ها و راه‌کارهایی دارد که هدف آن‌ها ایجاد اطمینان خاطر اولیه و نسبی برای افراد در مواجهه با رخدادهای مختلف برهم‌زننده‌ی آرامش و اطمینان خاطر آن‌ها در جامعه می‌باشد). تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی مفهومی است که به شیوه، میزان، شدت و به طور کلی انواع گوناگون کنش و واکنش بین انسان‌هایی که در یک گروه یا جامعه سروکار دارند، اطلاق می‌شود)، وسایل ارتباط جمعی (منظور از وسایل ارتباط جمعی همه وسایل ارتباطی

گنجانده شده در مفهوم این عبارت مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه و اینترنت می باشد که مورد استفاده ی آحاد افراد جامعه بوده است و با ارایه برنامه های مختلف توان تغییر در نحوه ی زندگی و سلايق آنها را در همه زمینه ها دارد)، اعتماد اجتماعی (اعتماد اجتماعی را می توان داشتن حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد).

### تعریف عملیاتی

#### متغیرهای تحقیق

۱- متغیر وابسته: وفاق اجتماعی

این متغیر در سطح سنجش رتبه ای و به شکل طیف لیکرت و به صورت ترجیح منافع دیگران بر منافع خود، احساس مسؤولیت در مقابل دیگران، انجام کارها به صورت دسته جمعی، آشنایی با زبان و فرهنگ اقوام دیگر و هم زبان شدن با آنها.

۲- متغیرهای مستقل

امنیّت اجتماعی: جلوگیری از وقوع جرایمی مثل دزدی، مزاحمت و . . . به هنگام مشاهده، به راحتی در مورد مسایل مختلف کشوری اظهار نظر کردن و احساس نگرانی در موقع خریدکردن.

تعامل اجتماعی: تفاهم با دوستان، احوال پرسی از دیگران.

وسایل ارتباط جمعی: تاثیر تلویزیون بر روحیه ی همبستگی، نقش رسانه های ملی و محلی در افزایش یا کاهش همبستگی قومی.

اعتماد اجتماعی: همه به فکر زندگی خودشان هستند، در دنیای امروز به کمتر کسی می توان اعتماد کرد، به همه می توان اعتماد کرد، به دوستان، خانواده خود اعتماد دارم.

**نتایج و یافته‌های تحقیق**

نتایج به‌دست‌آمده بر مبنای فرضیه‌ها ارائه می‌گردد:

جدول شماره (۱):

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نوع رابطه بین متغیرها	سن	امنیت اجتماعی	تعاملات اجتماعی	وسایل ارتباط جمعی
وفاق اجتماعی	سطح معناداری	۰/۳۶۲	۰/۵۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
	ضریب همبستگی	-۰/۰۱	۰/۱۱۶	۰/۲۵۸	۰/۵۱۵	۰/۲۵۸
	تعداد مشاهدات	۳۶۸	۳۶۸	۳۶۸	۳۶۸	۳۶۸

اولین فرضیه‌ی آرایه‌شده وجود رابطه بین سن و وفاق اجتماعی در بین دانشجویان می‌باشد که مطابق با نتایج به‌دست‌آمده از آزمون پیرسون رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد ( $\text{sig}=۰/۲۶۲$ ).

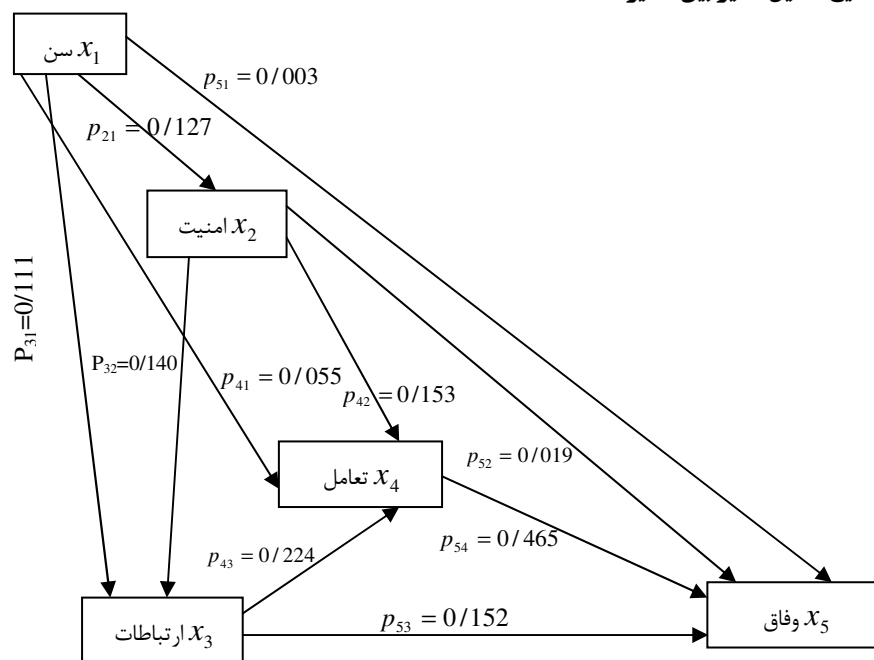
دومین فرضیه‌ی آرایه‌شده وجود رابطه بین وسایل ارتباط جمعی و وفاق اجتماعی در بین دانشجویان می‌باشد که مطابق با نتایج به‌دست‌آمده از آزمون پیرسون رابطه‌ای معنادار بین این دو متغیر وجود دارد ( $\text{sig}=۰/۰۰$ ).

سومین فرضیه‌ی آرایه‌شده وجود رابطه بین امنیت اجتماعی و وفاق اجتماعی در بین دانشجویان می‌باشد که مطابق با نتایج به‌دست‌آمده از آزمون پیرسون رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد ( $\text{sig}=۰/۵۹$ ).

چهارمین فرضیه‌ی آرایه‌شده وجود رابطه بین تعاملات اجتماعی و وفاق اجتماعی در بین دانشجویان می‌باشد که مطابق با نتایج به‌دست‌آمده از آزمون پیرسون رابطه‌ای معنادار بین این دو متغیر وجود دارد ( $\text{sig}=۰/۰۰$ ).

پنجمین فرضیه‌ی آرایه‌شده وجود رابطه بین جنسیت و وفاق اجتماعی در بین دانشجویان می‌باشد که مطابق با نتایج به‌دست‌آمده از آزمون تفاوت میانگین رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد ( $\text{sig}=۰/۵۰۱$ ).

نتایج تحلیل مسیر بین متغیرها



جدول شماره (۲): تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ارتباطات (X3) بر وفاق اجتماعی

نوع اثر	مسیر	ضریب
مستقیم	$X_3 \rightarrow X_5$	۰/۱۵۲
غیرمستقیم	$X_3 \rightarrow X_4 \rightarrow X_5$	$(۰/۲۲۴) \times (۰/۴۶۵) = ۰/۱۰۴$
مجموع اثر		۰/۲۵۶

جدول شماره (۳): تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ارتباطات (X1) بر وفاق اجتماعی

نوع اثر	مسیر	ضریب
مستقیم	$X_1 \rightarrow X_5$	۰/۴۶۵
غیرمستقیم	-	-
مجموع اثر		۰/۴۶۵

در این مدل مقدار  $R^2$  (ضریب تعیین) طبق جدول Summery  $R^2$  ۰/۲۷۹ درصد می باشد یعنی ۰/۲۷۹ درصد متغیر وابسته توسط این چهار متغیر مستقل تبیین شده است که باقی مانده آن به عنوان ضریب خطا است که با  $e^2$  نشان می دهند.

$$R^2 = 1 - e^2 \quad 0/279 = 1 - e^2 \Rightarrow e^2 = 0/721$$

جدول شماره (۴):

اثر متغیر مستقل وفاق اجتماعی	سن	امنیت	ارتباطات	تعامل
۰/۰۱۳	۰/۱۲۵	۰/۲۵۶	۰/۴۶۵	

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری وفاق اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بود، با توجه و استناد به ادبیات تحقیق، متغیرهای اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سن، جنس به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر وفاق اجتماعی در این بررسی آزمون تجربی گردید.

در بررسی فرضیه‌های پژوهش معلوم می‌شود که ارتباط معنی‌داری بین میزان وفاق و سن وجود ندارد. گرایش به وفاق در هر دو یکسان است.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین میزان وفاق و جنس وجود ندارد. در فرضیه‌ی مربوط به میزان احساس اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی یافته‌ها نشانگر آن است که احساس اعتماد در حدّ متوسط در بین پاسخگویان وجود دارد. در این تحقیق رابطه معنی‌داری بین میزان احساس امنیت اجتماعی و وفاق دیده نشد. در فرضیه‌ی مربوط به میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و وفاق می‌توان گفت که اطلاعات به‌دست‌آمده از جدول نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و وفاق رابطه معنی‌داری وجود دارد. در فرضیه‌ی مربوط به میزان تعامل اجتماعی و وفاق می‌توان با استفاده از جدول فوق دریافت که بین میزان تعامل اجتماعی و وفاق اجتماعی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

### پیشنهادها

با توجه به این‌که وفاق اجتماعی یکی از نیازهای ضروری جامعه‌ی ماست و جامعه‌شناسان برای ایجاد نظم به اهمیت آن پرداخته‌اند، لازم است هر اقدامی که باعث ایجاد و قوام آن می‌شود به آن همت گماشته شود.

همه‌ی عواملی که باعث بالا رفتن سطح مشارکت و تعاملات اجتماعی آنان می‌شود تقویت می‌شود باید با ایجاد آگاهی در زمینه‌ی اقوام و ملل گوناگون هرگونه پیش‌داوری‌هایی را که باعث اختلاف می‌شود، از بین برد، با تقویت شبکه‌های محلی و رسانه‌های جمعی و ارتباطات خودباوری جوانان را تقویت کرد. پایه‌های شکل‌گیری وفاق از خانواده شروع می‌شود به سایر عناصر ساختاری جامعه تسری پیدا می‌کند. احساس امنیت اجتماعی از شاخص‌های وفاق اجتماعی می‌باشد بایستی به این امر نیز در جامعه بها



داده شود. از جمله نیازهای مهم جامعه احساس امنیت در سطوح مختلف است با توجه به نتایج آزمون‌ها به این امر مهم پی می‌بریم که هر دو جنس (زن و مرد) گرایش یکسانی نسبت به شکل‌گیری وفاق اجتماعی دارند و نمی‌توان در این مورد پیش‌داوری کرد.

#### زیرنویس‌ها

1- Globalization  
5- Morality

2- We  
6- Barhen

3- Differentiation

4- Solidarity

#### منابع

- ۱- امیرکافی، مهدی، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، نمایه پژوهش، شماره ۱۸، ۱۳۸۰.
- ۲- آرون، ریمون. مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه: باقر پرهام. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۴.
- ۳- کوزر، لوویس. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۹.
- ۴- پاره‌تو، لوپیز. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه: توسلی و دیگران. تهران: انتشارات قومس، ۱۳۷۳.
- ۵- جهانپخش، داریوش. فصلنامه مطالعاتی راهبردی، شماره ۶۰۵، ۱۳۸۰.
- ۶- چلبی، مسعود. جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشرنی. چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۴- چلبی، مسعود. تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشرنی. چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۳- چلبی، مسعود. نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، ۱۳۷۲.
- ۹- رینز، جرج. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ هفتم، ۱۳۸۲.
- ۱۱- فوکویاما، فرانسیس. پایان نظم. ترجمه: غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان. چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۲- کلمن، جیمز ساموئل. بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی. ترجمه: صبوری. تهران: نشرنی. چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۳- کرایب، یان. نظریه اجتماعی مدرن. ترجمه: عباس مخبر. نشر آگاه. چاپ چهارم، ۱۳۸۶.